

## استفاضه در نظام ادله اثبات دعوا

مژگان طراحی<sup>۱</sup>، مهدی موذن<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آیت اله املی

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد حقوق خصوصی، موسسه آموزش عالی و پژوهش صنایع ایران

### چکیده

استفاضه یا شهادت ناشی از تسامع یا شیع، شهادت دادن بر مبنای شهرت عمومی و رایج بین مردم در خصوص موضوع شهادت است و شاهد به وسیله حواس ظاهری خود بر مورد شهادت اطلاع نیافته است. در فقه اسلامی، درباره اعتبار استفاضه و امکان استناد به آن در اثبات دعوا، بحث‌های فراوانی دیده می‌شود؛ اما وضعیت قوانین ما کاملاً متفاوت است؛ زیرا در نظام حقوقی ما قاعده کلی که به طور صریح حاوی اعتبار استفاضه باشد به چشم نمی‌خورد. لذا، در نظام حقوقی ما، با لحاظ قانونی بودن دلایل اثبات دعوا، این سؤال به ذهن می‌آید که، آیا قاضی می‌تواند به موجب استفاضه اقدام به صدور رأی نماید؟ در نخستین نگاه به نظر می‌آید که صدور رأی مطابق استفاضه امکان‌پذیر نیست؛ ولی با کمی مسامحه و روشن بینی، می‌توان استفاضه را با تأکید بر ماهیت دعوا تابع اصل ۱۶۷ ق.ا. و ماده ۳ ق.آ.د. م. دانست و به موجب این مقررات، قاضی در مورد اعتبار استفاضه که قانون ساکت است، باید به فتاوی و منابع معتبر فقهی مراجعه نماید و قول حاکم در فقه، قول به اعتبار استفاضه در پاره‌ای موضوعات است. هم‌چنین، با تحلیل مفهومی استفاضه، می‌توان آن را در قالب یکی از ادله شمارش شده در قانون - یعنی شهادت، اماره قضایی و تحقیق محلی - در آورد. در صورتی که ماهیت استفاضه مطابق با شهادت باشد، برای ادای چنین شهادتی، ظن نزدیک به علم کافی است و در آن، نیازی به علم نیست؛ بنابراین، اعتبار استفاضه محدود به موارد شمارش شده در فقه و حقوق است و آن را باید حکمی استثنایی دانست.

**واژه‌های کلیدی:** دلایل قانونی، اثبات، دعوا، استفاضه، شهادت، تحقیق محلی، اماره قضایی، اعتبار، ظن نزدیک به علم.

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۲۴۳-۲۴۲